

## واکاوی شرایط زمان و مکان جهاد از منظر مفسران و فقهای اسلامی

سلمان نیکبخت<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۷

### چکیده

از مسائل مهم تاریخ اسلام جهاد به ویژه موضوع زمان و مکان آن است. مفسران و فقهای اسلامی با بهره‌گیری از آیات قرآن به تبیین شرایط جهاد، چگونگی آن همچنین دو عنصر زمان و مکان پرداخته‌اند. در این پژوهش با اتکا بر توصیف و تحلیل داده‌ها، شرایط زمان و مکان جهاد از منظر مفسران و فقهای اسلامی واکاوی شده است. بدین ترتیب در ابتدا به مباحث نظری و تعریف جهاد در لغت و اصطلاح از منابع کتابخانه‌ای پرداخته سپس خلاصه‌ای از شروط زمان و مکان در جهاد ذکر می‌شود و در انتها مفهوم زمان و مکان جهاد از منظر مفسران و فقهای اسلامی واکاوی می‌شود. دست آورد مقاله حاکی از این است که در مورد زمان جهاد، با توجه به آیه ۲۱۷ سوره‌ی بقره اکثر فقهاء قائل به حرمت جهاد در ماه‌های حرام می‌باشند به دو شرط: (۱) در مورد جهاد ابتدائی (۲) در صورتی که طرف مقابل قائل به حرمت این ماه‌ها باشد. همچنین با توجه به آیه «وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى...» در تمام مکان‌ها جهاد جایز است، مگر در «حرم» امن الهی.

کلید واژگان: قرآن، جهاد، زمان جهاد، مکان جهاد، مفسران، فقهای اسلامی.

<sup>۱</sup>دانش‌پژوه سطح ۴ حوزه علمیه قم؛ دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه قم؛ salmannikbakht1v@gmail.com

## مقدمه

جهاد یکی از بزرگترین رکن‌های اسلام است، هم از لحاظ قرآن، سنت و هم اجماع. چنانچه خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...». امام خامنه‌ای در ارتباط با این آیه می‌فرماید: شهادت از یک طرف معامله‌ی با خدا است؛ آن صدقی که هست، معامله‌ی با خدا است، از امیرالمؤمنین (علیه السلام) و از امام سجّاد (علیه السلام) نقل شده که قیمت جان شما خیلی بالا است، آن را نفروشید مگر به بهشت. این جان خیلی قیمت دارد؛ قیمت وجود شما خیلی بالا است؛ این را فقط به بهشت بفروشید؛ به هیچ چیزی کمتر از بهشت نفروشید که خدای متعال هم خریدارش است؛ جان مال خدا است، خدا هم خریدارش است. از یک طرف معامله‌ی با خدا است. از یک طرف تأمین‌کننده‌ی مصالح مملّی است؛ همان تقویت هویت که گفتیم. شهادت فی سبیل الله مصالح مملّی را و منافع مملّت را تأمین میکند.

زمان و مکان جهاد به صورت مشخص و قانون مند در قرآن و سخنان فقها ذکر شده اند. در قرآن کریم به مسأله جهاد از کلی‌ترین مسأله تا جزئی‌ترین مسأله پرداخته است. از هدف و نیت جهاد، که باید برای رضا خدا و کمک به مستضعفان جهان باشد گرفته تا نحوه‌ی برخورد با اسیران جنگی و تقسیم غنائم. در بررسی آیات، شیوه کار به این صورت بوده که به تناسب بحث، ابتدا بررسی لغوی و مفردات آیه، سپس نکات فقهی و تفسیری مستنبط از آیه، بررسی شده است.

## هدف و ضرورت پژوهش

باتوجه به اینکه در ارتباط با زمان و مکان جهاد پژوهشی در گستره‌ی آموزه‌های فقهی و آیات قرآن صورت نگرفته است، انجام چنین تحقیقی ضروری می‌نماید تا خوانندگان را برای درک و فهم بیشتر و بهتر در ارتباط با ویژگی‌های جهاد، زمان و مکان آن یاری نماید. هدف از این پژوهش این است که با تکیه نظرات مفسران و فقهای اسلامی، شرایط و ویژگی‌های زمان و مکان جهاد مورد بررسی قرار گیرد.

## سوالات پژوهش

۱- زمان جهاد از دیدگاه فقه و قرآن چگونه ارزیابی می‌شوند؟

۲- مبانی قرآنی زمان جهاد کدامند؟

۳- شرایط و ویژگی‌های مکان جهاد چیست؟

## پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های مختلف در مراکز علمی و پژوهشی در خصوص زمان و مکان جهاد در نظرات مفسران و فقها اسلامی اثری یافت نشد اما پژوهش‌های زیر به گونه‌ای به موضوع کار ما نزدیک هستند لذا چند مورد از آن‌ها ذکر می‌شود:

- مقاله « مدیریت جهادی از منظر قرآن کریم »، نشریه بصیرت و تربیت اسلامی، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۳، صص ۶۸ تا ۸۹، با روش توصیفی- تحلیلی به بررسی مفهوم، شاخصه‌ها و مؤلفه‌های مدیریت جهادی منوط در قرآن کریم پرداخته است. یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که مهمترین شاخص جهاد، بذل طاقت برای رسیدن به مطلوب با مؤلفه‌های عقل، علم، تقوا، اسوه‌مداری، ولایت‌مداری و اعتصام و توکل به خدا است و مدیریت جهادی به کار گرفتن این شاخصه‌ها و مؤلفه‌ها همراه با کاربست تمامی استعدادها، توانمندی‌ها و بنمایه‌های فردی، اعتقادی و سازمانی مدیر به منظور تحقق هدف والای آن یعنی ارتقای کمی و کیفی حیات انسان است؛ بنابراین میتوان گفت، مدیر در تحقق مدیریت جهادی نقش اساسی و ارزشمند ایفاء میکند.

- مقاله: « بررسی و تبیین جایگاه جهاد به عنوان یکی از مبانی دفاع مقدس در قرآن کریم»، رستمی نسب، عباسعلی؛ ابراهیمی، مریم، نشریه ادبیات پایداری، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۹۳ تا ۱۱۴. در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی به بررسی و تبیین جایگاه جهاد در قرآن کریم می‌پردازد. از نتایج آن می‌توان گفت: اسلام دین بی تفاوتی و بیخیالی نیست و خود را در مقابل همه آحاد جامعه مسئول می‌داند. اسلام زیر بار ظلم و ستم، تجاوز

دشمن رفتن را نمی پذیرد و دستور به جهاد دفاعی، برای حرّیت و استقلال سرزمین خود، دفع فساد تبهکاران، گرفتن حقوق خود و هموعان، رفع فتنه، عزّت اسالم، عدم تمرکز قدرت در دست سلطه طلبان می‌دهد و برای تداوم حاکمیت قانون الهی، شناخت خود و جهاد با نفس و شناخت دشمن و جهاد با آن، تجویز می‌گردد.

– مقاله: « جهاد از منظر قرآن کریم؛ ابعاد نرم افزارانه در مقابل ابعاد سخت افزارانه»، یاوری، حسین، نشریه بلاغ مبین، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره ۴۴ و ۴۵، صص ۱۲۵ تا ۱۴۴. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی می‌کوشد الگویی برای ابعاد نرم افزارانه جهاد، مبتنی بر آیات قرآن کریم ارائه نماید. هدف اصلی و مهم در این پژوهش بررسی ابعاد نرم افزارانه جهاد در قرآن کریم است که الزم است ابتدا ابعاد سخت افزارانه مطرح شده از جهاد در قرآن کریم را بررسی نمود و سپس روشها و ابزارهای آن را که مورد استفاده دو جبهه حق و باطل بوده است، را بر اساس این رویکرد روشن ساخت.

### روش تحقیق

این پژوهش برای تعیین مسأله و گردآوری معلومات و تحلیل آن تا رسیدن به نتیجه دلخواه از روش توصیفی- تحلیلی بهره جسته و با تکیه بر همین به بررسی زمان و مکان جهاد از دیدگاه مفسران و فقهای اسلامی می‌پردازد. بدین ترتیب در ابتدا سعی شده است تعریف لغوی و اصطلاحی جهاد ارائه شود سپس زمان و مکان جهاد در آیات مورد بررسی قرار گیرد.

### جهاد در لغت و اصطلاح

جهاد در لغت از ماده‌ی «جهد» (هم به فتحه و هم به ضمّه) می‌باشد، به معنای سختی و مشقت است. و «جهاد و مجاهده» به معنای: به کار بردن تمام تلاش و کوشش در راه دفع کردن دشمن می‌باشد (راغب اصفهانی، المفردات، ۱۴۱۲ ق: ص ۲۰۸). جهاد (بکسر اول) مصدر است بمعنی تلاش و نیز اسم است بمعنی جنگ؛ و جنگ را از آن جهت جهاد گویند که تلاش توأم با رنج است (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵ ش: ج ۳، ص ۳۱). در اصطلاح و از لحاظ شرعی به معنای بذل نفس و آنچه متوقف بر آن است از اموال، در راه مبارزه با

مشرکین یا بغاؤه که به صورت مخصوص خود می‌باشد. یا بذل و بخشش جان، مال و توانائی خود در راه اعتلاء کلمه‌ی اسلام و به پا داشتن شعائر ایمان، می‌باشد (نجفی، جواهر الکلام، ۱۴۰۴ق: ج ۲۱، ص ۳).

جهاد یکی از بزرگترین رکن‌های اسلام است، از لحاظ قرآن، سنت و هم اجماع. چنان‌چه خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (توبه: ۱۱۱) و از پیامبر (ص) نقل شده: «فوق كلِّ برٍّ رحمتي يقتل الرجل في سبيل الله فليس فوقه بر» (عاملی، تفضیل رسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه ۱۴۰۹ق: ج ۱۵، ص ۱۷).

### شرط زمان در جهاد از منظر قرآن و مذاهب اسلامی

یکی از مباحثی که در باب جهاد مورد بحث فقها و مفسران قرار گرفته است، شرایط زمانی و خوب و حرمت جهاد می‌باشد. در ادامه به آیاتی از قرآن که مورد استناد فقها شیعه و اهل سنت و مفسرین قرار گرفته است، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

### حکم جهاد در ماه‌های حرام

حرمت جهاد در ماه‌های حرام یکی از سنت‌های ادیان و مردمان قبل از ظهور اسلام بوده است که دین مبین اسلام این سنت را تایید و در آیات مختلف قرآن به آن اشاره نموده است. در ادامه به بررسی این آیات از منتظر فقها و مفسران اسلامی می‌پردازیم. در آیه ۲۱۷ سوره بقره موضوع قتال در ماه‌های حرام این‌گونه بیان شده است: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَنْ يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ». (بقره: ۲۱۷)

ترجمه: از تو درباره‌ی جنگ کردن در ماه حرام می‌پرسند، بگو: «جنگ در آن، (گاهی) بزرگ است ولی جلوگیری از راه خدا و کفر ورزیدن نسبت به او و هتک احترام

مسجد الحرام، و اخراج ساکنان آن، نزد خداوند مهم تر از آن است و ایجاد فتنه، حتی از قتل بالاتر است. و مشرکان پیوسته با شما می جنگند، تا اگر بتوانند شما را از آیینتان برگردانند ولی هر کس از شما که از آیینش برگردد، و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک او، در دنیا و آخرت، بر باد می رود و آنان اهل دوزخند و همیشه در آن خواهند بود.

درباره ی شأن نزول این آیه مفسران گفته اند: پیامبر اکرم (ص) هفده ماه پس از هجرت به مدینه و دو ماه قبل از جنگ بدر به عبدالله بن حجش (پسر عمه ی پیامبر (ص)) دستور داد تا با عده ای به یک «سریه» بروند، پس آنها روانه شدند تا در پایان روز آخر جمادی به «نخله» رسیدند، پس در آنجا «عمرو بن حضرمی» یافتند که در کاروان تجاری قریش بود. مسلمانان درباره ی جنگ با این کاروان اختلاف کردند؛ پس برخی گفتند ما نمی دانیم که امروز از ماههای حرام است یا نه و برخی دیگر معتقد بودند که امروز از ماههای حرام است و ما مجاز به جنگ نمی باشیم. سرانجام گروه نخست فائق آمدند و به عمرو بن حضرمی حمله کرده، او را کشتند و کاروان را به غنیمت گرفتند. مشرکان مگه پس از آگاهی از ماجرا، نمایندگانی به حضور پیامبر فرستادند تا از ایشان درباره ی جنگ در ماههای حرام سؤال کنند، خداوند متعال این آیه را در پاسخ به آنان نازل فرمود (آلوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۵۰۲).

در مورد «یَسْأَلُونَكَ»، اکثر مفسران قائلند به اینکه، سؤال کنندگان، مشرکان بوده اند و به جهت عیب جوئی از مسلمانان که جنگ در ماه حرام را، حلال شمرده اند، نزد پیامبر آمدند. عده ای نیز قائلند که سؤال کنندگان، مسلمانان بوده اند و برای اینکه، کیفیت حکم قتال در ماه حرام را بدانند از پیامبر (ص) سؤال کردند (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۵۵۱).

ماه های حرام عبارت اند از (ذی القعدة، ذی الحجه، محرم الحرام و رجب) که سه تای اول پشت سر هم هستند و چهارمی مابین «جمادی الثانی» و «شعبان» می باشد، که مراد از ماه حرام در این آیه، ماه «رجب» می باشد (قرشی، قاموس قرآن، ۱۳۷۱: ج ۲، ص ۱۲۴).

کلمه‌ی «صد» به معنای جلوگیری و یا برگرداندن است، و مراد از «سبیل الله» عبادت‌ها و مخصوصاً مراسم حج است، و در این قسمت آیه «قُلْ قَاتِلْ فِيهِ كَبِيرٌ، وَ صَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ كُفْرٌ بِهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...»، ضمیر در کلمه «به» به «سبیل» برمی‌گردد، در نتیجه مراد از «کفر» در آیه، کفر عملی است نه اعتقادی، و کلمه‌ی «المسجد الحرام» عطف است بر «سبیل الله»، در نتیجه معنای آیه چنین می‌شود که قتال در مسجد الحرام به منزله‌ی جلوگیری از راه خدا و مسجد الحرام است (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ص ۱۶۷).

خداوند متعال در پاسخ به جنگ روانی مشرکان، گناه اخراج پیامبر (ص) و مسلمانان از مکه و نیز فتنه‌انگیزی بوسیله‌ی مشرکان را، از قتل در ماه حرام بزرگ‌تر اعلام می‌کند. و به همین دلیل، مشرکان با این گناهان بزرگی که انجام داده‌اند، حق ندارند مؤمنان را سرزنش کنند؛ به ویژه اینکه کاری که مؤمنان انجام دادند، برای خدا و به امید رحمت و آمرزش او بوده است. (همان، ص ۱۶۷)

در مورد «فتنه» دو قول وجود دارد: ۱- اینکه منظور از آن «کفر» باشد، و بیشتر مفسرین، این قول را قبول دارند، ولی مرحوم «فخر رازی» می‌فرماید: این قول نزد من ضعیف است، چرا که خداوند متعال، «کفر» را قبل از آن بیان کرده: «وَ كُفْرٌ بِهِ... أَكْبَرُ»، پس حمل «فتنه» بر «کفر» یک امر تکراری و لغوی خواهد بود.

۲- قول دوم در مورد «فتنه» عبارت است از: هر چیزی که موجب گمراهی مسلمانان از دینشان بشود، چه به صورت القاء شبهات، چه به صورت شکنجه (رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰ق: ج ۶، ص ۳۹۱).

در ادامه‌ی آیه، خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا...»، یعنی «نبرد همیشگی مشرکان با مسلمانان برای این است که اگر بتوانند آنان را از اسلام برگردانند و به ارتداد بکشانند» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۵۵۱).

اکثر فقها و مفسرین شیعه و سنی، معتقدند که این آیه، دلالت بر حرمت جهاد در ماههای حرام دارد به سبب قول خداوند: «قُلْ قَاتِلُوا فِيهِ كَيْبَرًا».

مرحوم طبرسی در «مجمع البیان» می‌فرماید: عده‌ای قائلند به اینکه این آیه (که دلالت بر حرمت جهاد در ماههای حرام و در نزد مسجد الحرام دارد) بوسیله‌ی آیه «قَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةً» (انفال: آیه ۳۹) و «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» (توبه: آیه ۵) نسخ شده است، ایشان می‌فرمایند، در نزد ما (امامیه) این آیه به صورت تحریمی باقی است و نسخ نشده است، و نباید در این ماهها یا در نزد حرم شروع به جنگ کرد، چنان که در حدیثی، پیامبر (ص) در مورد جنگ با مکیان در «عام الفتح» می‌فرماید: «انَّ اللَّهَ أَحْلَاهَا لِي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَلَا يَحِلُّهَا لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۵۵۲).

«بیضاوی» نیز در تفسیر خود، اختلاف میان علماء در نسخ آیه را بیان می‌کند و می‌گوید، اکثر علماء قائل به نسخ آن هستند، به جز عطاء که قائل است به اینکه آیاتی که بعد از این آیه آمده است، عام هستند و این آیه خاص است، و عام نمی‌تواند خاص را نسخ کند. مرحوم بیضاوی، قائلند که این آیه به صورت مطلق بر حرمت قتال در ماه حرام دلالت نمی‌کند چرا که «قتال» در این آیه به صورت نکره در سیاق مثبت آمده، که نشان‌گر آن است که نمی‌تواند، عمومیت داشته باشد. (بیضاوی، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ۱۴۱۸ ق: ج ۱، ص ۱۳۷)

مرحوم سید علی طباطبائی در «ریاض المسائل» نیز از قول علماء امامیه می‌فرماید که: این آیه به صورت مطلق نمی‌باشد. بلکه تحریم در مقابل کسانی است که اولاً قائل به حرمت ماه حرام باشند و ثانیاً، شروع کننده نباشند، اما در مقابل آن کسانی که قائل به حرمت آن نمی‌باشند و شروع به جنگ نیز می‌کنند، جایز است که در ماه حرام جلوی آنها جنگید. (طباطبائی، ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل، ۱۴۱۸ ق: ج ۸، صص ۷۸-۷۷)

از دیگر آیاتی که به موضوع حرمت قتل در ماه‌های حرام پرداخته شده است آیه ۵ سوره توبه است که خداوند متعال می‌فرماید: «فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخَذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ إِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (توبه: ۵)

ترجمه: پس وقتی ماه‌های حرام پایان گرفت، مشرکان را هر جا یافتید به قتل برسانید و آنها را اسیر سازید، و محاصره کنید و در هر کمینگاه بر سر راه آنها بنشینید، پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات دادند، آنها را رها سازید، زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.

انْسَلَخَ: از ماده‌ی «سلخ» به معنای «کندن پوست حیوان» می‌باشد، که هم به صورت لازم و هم متعدی به کار رفته است. گذشتن و تمام شدن ماه را به طور استعاره سلخ و انسلاخ گفته‌اند. (قرشی، قاموس قرآن، ۱۳۷۱: ج ۳، ص ۲۸۷)

در «مجمع البیان» گفته شده: «انسلاخ» به معنای خروج شیء از آنچه که آن را پوشیده است و اصل آن از «سلخ الشاة» به معنای جدا کردن پوست از گوسفند می‌باشد. (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن ۱۳۷۲: ج ۵، ص ۱۰)

مَرْصِدٌ: اسم مکان از «رصد» است به معنای «مراقبت کردن و چیزی را زیر نظر گرفتن و اسم مکان آن به معنای کمینگاه می‌باشد. (قرشی، قاموس قرآن، ۱۳۷۱: ج ۳، ص ۱۰۱)

خَلُّوا: از «الخلء» به معنای مکانی که ساتری در آن نیست، راغب می‌گوید: خَلَّيْتُ فَلَانًا: به معنای ترک کردن او در مکان حالی است و سپس به هر ترک کردنی، «تخلیه» گفته می‌شود، مانند این آیه «فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ» (راغب اصفهانی، المفردات، ۱۴۱۲: ص ۲۹۸).

در مورد «الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ» در این آیه میان مفسرین اختلاف است، برخی گفته‌اند: مقصود همان چهار ماه حرام معروف است یعنی: ذی القعدة، ذی الحجة، محرم و رجب. ولی بیشتر مفسران بر آن اند که مقصود، چهار ماهی است که به مشرکان پیمان‌شکن مهلت داده

شد تا اسلام اختیار کنند و آن از یوم النحر (دهم ذی الحجه) تا ۱۰ روز پس از جمادی الثانی بود. «فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ». (توبه: آیه ۲)

مرحوم علامه طباطبائی، نیز قول دوم را می‌پذیرند و می‌گویند: بنابراین (قول دوم) الف و لام در «الأشهر الحرم» الف و لام عهد ذکری می‌باشد، یعنی هنگامی که این ماههائی که قبلاً ذکر کردیم و حرام شمردیم برای مشرکین تا کسی متعرض آنها نشود، به پایان رسید، مشرکین را بکشید (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۱۵۱).

در مورد اینکه این مجازاتهائی که خداوند در این آیه فرموده‌اند آیا به صورت جمعی باید انجام داد یا به صورت تخییری میان مفسران اختلاف وجود دارد.

«مراغی» در تفسیر خود می‌گوید: باید مطابق با مصلحت جنگ را با آنها رفتار کرد،

پس باید باید یکی از این اعمال را انجام داد:

۱- کشته آنها در هر مکانی که باشند، چه در حرم و چه در خارج از آن.

۲- به اسیر گرفتن آنها.

۳- حبس و زندانی کردن آنها تا مانع از خروج آنها شود تا شاید مسلمان شوند.

۴- در کمینگاه منتظر آنها نشستن. (احمد بن مصطفی [مراغی]، تفسیر المراغی،

بی تا: ج ۱۰، ص ۵۸)

مرحوم علامه (ره) نیز بیان می‌کنند: مراد از «خذوهم»، «واخضروهم» و «واقعدوا لهم

کلّ مرصد»، بیان نوع وسیله‌ای است که بتوان با آن قدرت مشرکین و عدد آنها را درهم

شکست، پس اگر بر آنها غلبه پیدا کردید و ممکن بود، کشتن آنها، بکشیدشان، و اگر نشد

اسیرشان کنید، و اگر ممکن نبود آنها را اسیر کند پس در همان محلّ خودشان محاصره کنید،

و اگر مکان آنها را نمی‌دانستید، در هر کمین گاهی که هست، منتظر آنها بنشینید

(طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ق: ج ۹، ص ۱۵۲).

اگر مراد از «اشهر حرم» در آیه، همان ماههای حرام معروف (ذی القعدة، ذی الحجه، محرم، رجب) باشد، پس آیه بر حرام بودن جنگ و قتال در این ماهها دلالت دارد (قنوجی، نیل المرام من تفسیر آیات الاحکام، بی تا: صص ۳۲۳-۳۲۲).

مرحوم «علامه حلی» در «تذکره الفقهاء» از این قسمت آیه «فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» و جوب جهاد را استنباط کرده است (حلی، تذکره الفقهاء، ۱۴۱۴ ق: ج ۹، ص ۷).

ایشان هم چنین می فرماید: با توجه به این آیه «فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ» در تمام آیام سال جایز است، جهاد انجام شود، مگر در «اشهر الحرم» که عبارت اند از: «ذی القعدة، ذی الحجه، محرم، رجب». (همان، ص ۱۰)

در «احکام القرآن جصاص» آمده است: عمومیت «فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ» اقتضا می کند که سایر وجوه کشتن از قبیل مثله، شکنجه و... نیز جایز باشد، ولی اخباری که از سنت وارد شده از این موارد نهی می کند، مانند: قال النبی (ص): «أَعَفَّ النَّاسَ قَتْلَهُ أَهْلَ الْإِيمَانِ». «عفیف ترین مردم از لحاظ کشتن، اهل ایمان هستند. (احمد بن علی جصاص، احکام القرآن، ۱۴۰۵ ق: ج ۴، ص ۲۷۰)

### شرط مکان در جهاد

در خصوص شرط مکان با توجه به آیه ۱۹۱ سوره بقره، کلیه مکان ها برای جهاد و قتال مجاز می باشد به غیر از حرم امن الهی. «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقَفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجَكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلَكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلَكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ».

ترجمه: و آنها را هر کجا یافتید به قتل برسانید و از آن جا که شما را بیرون کردند، آنها را بیرون کنید و فتنه از کشتار هم بدتر است، و با آنها در نزد مسجد الحرام جنگ نکنید، مگر اینکه در آنجا با شما بجنگند، پس اگر با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانید، چنین است جزای کافران.

تَقْفُمُوهُمْ: از ماده‌ی «تقف» به معنای پیدا کردن و مصادف شدن. ظاهراً در این آیه معنای مصادف شدن و روبه رو شدن بهتر است از «مطلق پیدا کردن» یعنی هر کجا که با آنها روبه‌رو شدید بکشیدشان (قرشی، قاموس قرآن، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۳۰۷). الفتنه: چندین معنا برای آن گفته‌اند، از آزمایش کردن تا سوزاندن چیزی. ولی در کتاب «العین» در مورد این آیه می‌گوید: «فتنه» در این آیه به معنای «عذاب» است، یعنی عذاب خداوند به خاطر اعمالی که مشرکین انجام داده‌اند از کشته شدن آنها، بزرگتر است. (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۱۰ ق: ج ۸، ص ۱۲۷)

در مورد «و الفتنه أشد من القتل» علامه‌ی طباطبائی می‌فرماید: «یعنی شرک آنها که موجب شد آنان، شما را اذیت و آزار کنند، آن چنان که بعد از هجرت پیامبر (ص) و قبل از آن انجام می‌دادند.

بنابراین معنای آیه چنین خواهد بود: سخت بگیرید بر مشرکین مگه، هر تشدید، به اینکه هر کجا آنها را یافتید، بکشید تا اینکه این امر مונجر به خروج آنها از دیارشان شود، همان گونه که آنها هم این کار را نسبت به شما انجام دادند، و آنچه که آنها انجام داده‌اند، شدیدتر است، چرا که این کار از جانب آنها «فتنه» محسوب می‌شود و فتنه نیز از قتل شدیدتر است، چرا که در قتل، حیات دنیوی منقطع می‌شود ولی در فتنه، حیات دنیا و آخرت از بین می‌رود (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق: ج ۲، ص ۶۱).

در مورد «وَأَخْرَجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ» دو بحث وجود دارد:

۱- اخراج دارای دو وجه است، یکی اینکه، آنها را به زور خارج کنند، و یکی اینکه، آنها را مورد فشار قرار دهند تا اینکه خودشان به ناچار خارج شوند.

۲- صیغه‌ی «حیث» دو وجه دارد: یکی اینکه، آنها را از همان موضعی که شما را خارج کردند (یعنی مکه) خارج کنید، دوم اینکه، آنها را از منزل‌های خودتان خارج کنید. (فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب، ۱۴۲۰ ق: ج ۵، ص ۲۸۹)

در مورد ضمیر در «وَأَقْتُلُوهُمْ» مفسران معتقدند که به کفار اهل مکه برمی‌گردد، و خداوند متعال در این آیه مسلمانان را امر به جهاد با آنها می‌کند، چه آنها شروع کننده‌ی جنگ باشند و چه نباشند ولی مبارزه در نزد مسجد الحرام (حرم) را استثنا کرده است. (همان، ص ۲۸۹)

در «تذکره الفقهاء» علامه‌ی حلی، با استناد به این آیه: «وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ...» می‌گوید: در تمام مکان‌ها، جهاد جایز است مگر در «حرم» امن الهی. برخی از علماء اهل سنت، قائل به نسخ این آیه بوسیله‌ی آیه «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» هستند که دلالت بر جواز جهاد در هر زمان و هر مکانی دارد. (حلی، تذکره الفقهاء، ۱۴۱۴ ق: ج ۹، صص ۹-۱۰)

منظور از «حرم» در این آیات و در فقه اسلامی، انصراف به حرم مکه دارد. حرم مکه به محدوده‌ای از اطراف کعبه گفته می‌شود که برحسب روایات، جبریئیل به امر خداوند حدود آن را برای حضرت ابراهیم(ع) مشخص نمود و آن حضرت برای شناسائی آنها در مبادی ورودی نشانهایی نصب کرد، که امروزه بصورت ستونهایی پا برجا و مشخص کننده‌ی حدود حرم است(شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت(ع)، ۱۴۲۶ ق: ج ۳، ص ۲۸۶).

### نتیجه‌گیری

در مورد زمان جهاد، با توجه به آیه ۲۱۷ سوره‌ی بقره اکثر فقهاء قائل به حرمت جهاد در ماههای حرام می‌باشند به دو شرط: ۱) در مورد جهاد ابتدائی (۲) در صورتی که طرف مقابل قائل به حرمت این ماهها باشد. اکثر فقهاء و مفسرین شیعه و سنی، معتقدند که این آیه، دلالت بر حرمت جهاد در ماههای حرام دارد به سبب قول خداوند: «قُلْ قَاتِلُوا فِيهِ كَبِيرٌ». اما عده‌ای به خصوص علمای اهل سنت قائلند به اینکه این آیه (که دلالت بر حرمت جهاد در ماههای حرام و در نزد مسجد الحرام دارد) بوسیله‌ی آیه «فَاقْتُلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» (انفال: آیه ۳۹) و «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» (توبه: آیه ۵) نسخ شده است، که مرحوم

طربسی در این مورد معتقدند، در نزد ما (امامیه) این آیه به صورت تحریمی باقی است و نسخ نشده است، و نباید در این ماهها یا در نزد حرم شروع به جنگ کرد. با توجه به آیه «وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى...» در تمام مکانها جهاد جایز است، مگر در «حرم» امن الهی.

### فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی»، ج ۱۶، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ ه.ق.
۳. بیضاوی، عبدالله بن عمر، «أنوار التنزیل و أسرار التأویل»، ج ۱، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ ق.
۴. جصاص، احمد بن علی، «احکام القرآن جصاص»، ج ۵، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
۵. حلّی، حسن بن یوسف، «تذکره الفقهاء»، ج ۹، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۴ ق.
۶. رازی، فخرالدین، «مفاتیح الغیب»، ج ۳، ج ۵، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، «المفردات فی غریب القرآن»، دارالعلم الشامیة، دمشق، ۱۴۱۲ ق.
۸. طباطبائی، سید علی بن محمد، «ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل»، ج ۸، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، ۱۴۱۸ ق.
۹. طباطبائی، سید محمدحسین، «المیزان فی تفسیر القرآن»، ج ۵، ج ۱۴، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، «مجمع البیان»، ج ۳، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.

۱۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، «مجمع البحرین»، چ ۳، ج ۶، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ش.
۱۲. عاملی، محمد بن حسن، «تفضیل رسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه»، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، «العین»، چ ۲، هجرت، قم، ۱۴۱۰ق.
۱۴. قرشی، سید علی اکبر، «قاموس قرآن»، چ ۶، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱ش.
۱۵. قنوجی، سید محمد صدیق، «نیل المرام من تفسیر آیات الاحکام»، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
۱۶. مراغی، احمد بن مصطفی، «تفسیر المراغی»، بی‌جا، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا.
۱۷. نجفی، محمدحسن، «جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام»، چ ۷، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۱۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود، «فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)»، ج ۳، مؤسسه‌ی دائرة المعارف فقه اسلامی، قم، ۱۴۲۶ق.